

عنوان درس

تاریخ تحلیلی صدر اسلام، عصر غیبت

ویژہ میانسال

ارائہ محتوا جهت استفادہ
مربیان، ائمہ جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



فهرست

۳	تاریخ تملیلی صدر اسلام، عصر غیبت
۴	آزمایش مردم
۵	بیم از کشته شدن
۷	آمادگی و استعداد مردم
۸	خالی نماندن زمین از محبت
۹	نداشتن یار و یاور
۹	الف- یاران خاص
۹	ب- یاران عام
۱۰	تعهد نداشتن نسبت به ماکمان جور
۱۱	وظایف منتظران مضرت
۱۲	راههای شناخت امام زمان
۱۳	توقیع مضرت ولی عصر(عج)
۱۴	منبع و پی نوشتها

تاریخ تحلیلی صدر اسلام، عصر غیبت

ولی عصر علیه السلام از رازهای بسیار پیچیده‌ای است که با ظهور او همه حقیقت روشن می‌گردد. "عبدالله بن فضل هاشمی" می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت صاحب الامر به ناچار غیبتی خواهد داشت، به طوری که گمراهان در شک واقع می‌شوند. سؤال کردم: چرا؟

فرمود: اجازه بیان علتش را نداریم.

گفتم: حکمتش چیست؟

با توجه به این آیه، خداوند متعال در هر زمان و دوره‌ای، مردم آن دوره را مورد امتحان قرار می‌دهد تا مومنین واقعی از متظاهرین به دین و ایمان مشخص شوند. امتحان الهی در هر زمان، متفاوت و متناسب با رشد و کمال عقلی مردم آن زمان است. در دوران غیبت کبری، با غایب شدن حجت خدا، مردم به استقامت و پایداری نسبت به دین امتحان می‌شوند تا منتظرین واقعی از غیر واقعی تمیز داده شده و هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این امتحان به دست آورند.

فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجت‌های گذشته وجود داشت، در غیبت آن جناب وجود دارد، اما حکمتش جز بعد از ظهور او ظاهر نمی‌شود، چنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و اصلاح دیوار به دست حضرت خضر علیه السلام برای حضرت موسی علیه السلام آشکار نشد جز هنگامی که می‌خواستند از هم جدا شوند.

ای پسر فضل! موضوع غیبت، سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیوب الهی است، چون خدا را حکیم می‌دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می‌شود، گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد.

از این حدیث استفاده می‌شود که علت اصلی و اساسی غیبت به دلیل این که اطلاع بر آن به صلاح مردم نبوده، یا استعداد فهمش را نداشته‌اند، بیان نشده است.

ت
صبر

در عین حال به مواردی از فلسفه غیبت در بعضی از روایات اشاره شده است که به صورت اختصار بیان می کنیم:

آزمایش مردم

یکی از سنت های الهی، آزمایش مردم است. این سنت در تمام امت های گذشته نیز اجرا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: "احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا و هم لا يفتنون و لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين."

آیا مردم خیال می کنند که همین که گفتند ایمان آوردیم رها شده و دیگر امتحان نمی شوند، کسانی را که قبل از آنها بودند، آزمایش کردیم تا خداوند راستگویان و دروغ گویان را مشخص کند.

غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر بدنم تنگ و آرامش را از من سلب کرده است. آقای من! غیبت تو برای همیشه مرا اندوهگین کرده مثل کسی که تمام بستگانش را یکی پس از دیگری از دست می دهد و تنها می ماند."

با توجه به این آیه، خداوند متعال در هر زمان و دوره ای، مردم آن دوره را مورد امتحان قرار می دهد تا مومنین واقعی از متظاهرين به دین و ایمان مشخص شوند. امتحان الهی در هر زمان، متفاوت و متناسب با رشد و کمال عقلی مردم آن زمان است. در دوران غیبت کبری، با غایب شدن حجت خدا، مردم به استقامت و پایداری نسبت به دین امتحان می شوند تا منتظرین واقعی از غیر واقعی تمیز داده شده و هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این امتحان به دست آورند.

"سدير" می گوید. در خدمت مولایمان امام صادق علیه السلام بودیم، امام علیه السلام روی زمین نشسته و عبائی بی یقه و با آستین کوتاه پوشیده بود، در آن حال مانند پدر فرزند مرده گریه می کرد، آثار حزن از رخسار مبارکش نمایان بود و می فرمود:

ت
صبر

آقای من! غیبت، هزاران سر نهان در نظام دین و برنامه های مترقی آن دارد که درک هر یک، دلی دریایی و چشمی بینا می خواهد تا آنجا که همه پیامبران هم نمی توانند به تمام اسرار آگاه باشند.

غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر بدنم تنگ و آرامش را از من سلب کرده است. آقای من! غیبت تو برای همیشه مرا اندوهگین کرده مثل کسی که تمام بستگانش را یکی پس از دیگری از دست می دهد و تنها می ماند.

سیدر می گوید: از ناله های جانگداز حضرت، پریشان شده و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! خداوند دیدگان شما را گریان نکند، برای چه این قدر ناراحت و محزون هستید؟ امام صادق علیه السلام آه سوزناکی کشید و [بدین مضمون] فرمود: "قائم ما غیبت طولانی کرده و عمرش طولانی می شود. در آن زمان اهل ایمان امتحان می شوند و به واسطه طول غیبتش، شک و تردید در دل آنها پدید می آید و بیشتر، از دین خود بر می گردند."

بیم از کشته شدن

"زراره" گوید امام صادق علیه السلام فرمود: "برای حضرت قائم قبل از ظهورش غیبتی است."

پرسیدم: چرا؟

فرمود: "یخاف علی نفسه الذبحه" (۳) بر جانش از کشته شدن می ترسد.

در دوران غیبت، مردم جهان به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان دهنده وضع بشر، آمادگی عملی و اخلاقی پیدا می کنند. روش آن حضرت مانند روش انبیاء و اولیاء گذشته نیست تا مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد، بلکه روش او در رهبری بر جهان بر مبنای حقایق و حکم به واقعیات، و ترک تقیه و ... است، که انجام این امور نیاز

ت

به تکامل علوم و معارف و ترقی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد، به طوریکه قابلیت برای حکومت واحد جهانی در راستای تحقیق احکام الهی فراهم باشد.

حضرت همواره در معرض کشته شدن بوده و هست زیرا حکام ستمگری که در طول دوران اسلامی حکم رانده اند (عباسیان و غیر آنان از کسانی که به ویژه در خاورمیانه حکومت نموده اند) بیشترین تلاش و کوشش خود را صرف پایان بخشیدن به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام می نمودند.

خصوصاً پس از آن که می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام همان کسی است که تخت های حکمرانان ظلم و جور را متزلزل نموده، در هم خواهد شکست و همان کسی است که هستی ظالمان را نابود و از استیلاء آنان بر بندگان خدا و کشورها جلوگیری خواهد کرد.

هیچ یک از امامان معصوم به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، بلکه طاغوت های این امت، آنان را شهید کردند، با این که می دانستند بشارت ها و اخباری که راجع به حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، درباره آنان (یازده امام علیه السلام) وارد نشده است. مثلاً درباره هیچ یک از ائمه علیهم السلام حتی یک حدیث به این مضمون وارد نشده که دنیا را از عدل و داد پر خواهد ساخت و بر تمام وسایل پیروزی و ظفر برای وی فراهم خواهد آمد، جز درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام.

با چنین خبرهایی، حکومت های جور و ستم در قبال شخصیتی بزرگ که می خواهد حاکمیت ظلم و ستم را از بین برده و حاکمیت عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند، دست روی دست گذاشته و سکوت نمی کردند و همواره مترصد کشتن چنین انسانی بودند.

آمادگی و استعداد مردم

قانون عرضه و تقاضا در جوامع بشری همواره و در همه جا جاری است و عرضه، مطابق تقاضا می باشد، در غیر این صورت نظام زندگی به هم خورده و تعادل خود را از دست می دهد. این قانون تنها جنبه اقتصادی ندارد بلکه در مسائل اجتماعی نیز جاری است. بدون تقاضا، عرضه بی فایده است. نیاز به رهبر و پیشوا برای جامعه نیز از این فایده و قانون مستثنی نبوده و در قالب استعداد و آمادگی مردم تحقق پیدا می کند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: "بدانید زمین از حجت خدا خالی نمی ماند، ولی خداوند به خاطر ظلم و جور و اسراف مردم بر خودشان، آنها را از دیدار او کور خواهد ساخت." در دوران غیبت، مردم جهان به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان دهنده وضع بشر، آمادگی عملی و اخلاقی پیدا می کنند. روش آن حضرت مانند روش انبیاء و اولیاء گذشته نیست تا مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد، بلکه روش او در رهبری بر جهان بر مبنای حقایق و حکم به واقعیات، و ترک تقیه و ... است، که انجام این امور نیاز به تکامل علوم و معارف و ترقی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد، به طوری که قابلیت برای حکومت واحد جهانی در راستای تحقیق احکام الهی فراهم باشد و جامعه بشری به این مطلب برسد که هیات های حاکمه با روش های گوناگون نمی توانند از عهده اداره امور برآیند، و مکتب های سیاسی و اقتصادی مختلف دردی را درمان نمی کنند، اجتماعات و کنفرانس ها و سازمان های بین المللی و طرح ها و کوشش های آنها به عنوان حفظ حقوق بشر نمی توانند نقشی را ایفاء کنند و از تمام این طرح ها که امروز و فردا مطرح می شود مایوس شود.

وقتی اوضاع و احوال اینگونه شد و مردم از تمدن منهای دین، معنویت و انسانیت به ستوده آمدند و تاریکی و ظلمت جهان را فرا گرفت، ظهور یک مرد الهی در پرتو عنایت حق، مورد استقبال مردم جهان قرار می گیرد.

در این شرایط، پذیرش جامعه از ندای روحانی یک منادی آسمانی بی نظیر خواهد بود، زیرا در شدت ظلمت و تاریکی، درخشندگی نور نمایان تر می گردد.

خالی نماندن زمین از حجت

حضرت علی علیه السلام فرمود: "لا تخلوا الارض من قائم بحجه الله" هیچگاه زمین از کسی که قائم به امر الهی باشد خالی نخواهد ماند.

از سنت های دائمی الهی این است که از آغاز آفرینش، بشر را تحت سرپرستی یک راهنما و رهبر قرار داده است و برای هر قوم و ملتی رسولی فرستاده تا آن رسول، مردم را از عذاب الهی بترساند و وصی و خلیفه و جانشین و امام پس از او نیز همان سیره و روش پیامبر را عمل کرده و مردم را به اهداف الهی نزدیک کرده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: "اگر در دنیا دو نفر وجود داشته باشند، یکی از آنها امام و حجت خدا است."

باز می فرماید: "آخرین کسی که از این دنیا خواهد رفت، امام است و او حجت خدا بر خلق است و باید او آخرین نفر باشد که از دنیا می رود، برای این که کسی بدون حجت و رهبر نماند تا با خدای احتجاج کرده، شکایت نماید که تکلیف خود را در دنیا نمی دانسته است." حضرت علی علیه السلام فرمود: "بدانید زمین از حجت خدا خالی نمی ماند، ولی خداوند به خاطر ظلم و جور و اسراف مردم بر خودشان، آنها را از دیدار او کور خواهد ساخت."

با توجه به روایات فوق و بررسی دوران زندگی امامان معصوم علیه السلام که هیچ کدام با مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، اگر آخرین حجت الهی نیز غایب نمی شد و در میان مردم حضور عادی می داشت، یقیناً به سرنوشت امامان دیگر دچار می شد، و مردم برای همیشه از فیض الهی محروم می شدند. خداوند متعال با حکمت بالغه اش آخرین حجت خود را به وسیله غیبت، حفظ و صیانت نموده تا زمین از حجت حق خالی نماند.

نداشتن یار و یاور

یکی از علت های غیبت امام زمان علیه السلام، نبود انصار و اصحاب جهت یاری رساندن به آن حضرت است. از روایات مختلف این نکته برداشت می شود که نصاب یاران حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر می باشد که با تولد و رشد آنها، یکی از موانع ظهور مرتفع می گردد. انصار و یاران حضرت را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف - یاران خاص:

که ۳۱۳ نفر می باشند و صفات و شاخصه هایی که در روایات ذکر شده، مربوط به آنها می باشد و در زمان ظهور و حکومت جهانی حضرت، تصدی مناسب مهم حکومتی را به عهده دارند.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: "یاران خاص قائم جوانند، بین آنان پیری نیست مگر به میزان سرمه در چشم و یا مانند نمک در غذا که کمترین ماده غذا نمک است."

(۷) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: "مردانی اند که گویی قلب هایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دل های آنان را نسبت به ذات خدا گرفتار شک و تردید سازد. سخت تر از سنگ هستند و..."

ب - یاران عام:

نصاب معینی ندارند. در روایات تعداد آنها مختلف و در بعضی از آنها تا ۱۰ هزار نفر در مرحله اول ذکر شده است که در مکه با حضرت پیمان می بندند. امام زمان علیه السلام با این تعداد از یاران خاص و عام، قیام جهانی خود را شروع می کند.

تعهد نداشتن نسبت به حاکمان جور

امام صادق علیه السلام فرمود: "يقوم القائم و ليس لاحد في عنقه عهد ولا عقد ولا بيعه" (۹) قائم ما در حالی ظهور می کند که در گردن او برای احدی عهد و پیمان و بیعتی نیست. برنامه مهدی موعود، با سایر ائمه اطهار علیهم السلام تفاوت دارد. ائمه علیهم السلام مامور بودند که در ترویج و انذار و امر به معروف و نهی از منکر تا سر حد امکان کوشش نمایند، ولی سیره و رفتار حضرت مهدی علیه السلام متفاوت با آنان بوده و در مقابل باطل و ستم، سکوت نکرده با جنگ و جهاد، جور و ستم و بی دینی را ریشه کن می نماید. اصلاً اینگونه رفتار از علائم و خصائص مهدی موعود شمرده می شود.

به بعضی از امامان که گفته می شد: چرا در مقابل ستمکاران قیام نمی کنی؟ جواب می دادند: این کار به عهده مهدی ماست.

به بعضی از امامان اظهار می شد: آیا تو مهدی هستی؟ جواب می داد: مهدی با شمشیر جنگ می کند و در مقابل ستم ایستادگی می نماید ولی من چنین نیستم. به بعضی عرض می شد: آیا تو قائم هستی؟ پاسخ می داد: من قائم به حق هستم، لیکن قائم معهودی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند، نیستم.

از اوضاع آشفته جهان و دیکتاتوری ظالمین و محرومیت مومنین شکایت می شد، می فرمودند: قیام مهدی مسلم است، در آن وقت اوضاع جهان اصلاح و از ستمکاران انتقام گرفته خواهد شد. مومنین و شیعیان هم به این نویدها دلخوش بودند و هر گونه رنج و محرومیتی را بر خود هموار می کردند.

اکنون با این همه انتظاراتی که مومنین بلکه بشریت از مهدی موعود دارند، آیا امکان داشت که آن جناب با ستمکاران عصر بیعت و پیمان خویش وفادار بماند و در نتیجه هیچ وقت اقدام به جنگ و جهاد نکند، زیرا اسلام عهد و پیمان را محترم شمرده و عمل به آن را لازم دانسته است.

از این رو در احادیث تصریح شده که یکی از اسرار غیبت و مخفی شدن ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام این است که ناچار نشود با ستمکاران بیعت کند تا هر وقت خواست، قیام کند و بیعت کسی در گردنش نباشد.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: "ان الله عزوجل يخفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یکون لاحد فی عنقه بیعه اذا خرج" خداوند عزوجل ولادت او را مخفی می کند و شخص او را از دیده ها پنهان می سازد تا هنگامی که ظهور می کند کسی را در گردن او بیعت نباشد.

وظایف منتظران حضرت

۱. شناخت:

یکی از ویژگی های منتظر، شناخت و معرفت به امام زمان است نه فقط یادگیری نام ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت؛ بلکه معرفت داشتن به ویژگی ها و ابعاد وجودی حضرت و اندیشیدن در کلمات و اوامر حضرت و تأمل در حکمت نام ها و نشانه ها و علائم ظهور و شگفتی ولادت و حیات او، همچنین دانستن سبب و حکمت غیبت پر رمز و راز حضرت که به یقین وقتی انسان معرفت به این موارد پیدا کرد و اهداف و آرمان های او را فهمید خود را برای عملی کردن اهداف امام زمان آماده می سازد و خشنودی او را به خشنودی خودش ترجیح می دهد و سعی می کند سرباز خوبی برای آن حضرت باشد.

از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) حکایت شده:

«من مات و هو لا یعرف امامه مات میتة جاهلیة»؛

«کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

راه‌های شناخت امام زمان:

از جمله راه‌های شناخت امام زمان عبارتند از: ۱. تلاش برای آگاهی بیشتر از حضرت یا از طریق شنیدن از بزرگان و یا مطالعه‌ی کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است، مانند کتاب مکیال المکارم که مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی تالیف کرده‌اند و طبق گفته نویسنده به فرمان خود امام زمان ^(عج) نوشته شده است این کتاب یک‌دوره امام‌شناسی که ترجمه فارسی هم شده است.

۲. راه دوم بوسیله ارتباط روحی و معنوی با دعا و توسل است: همانطور که در زیارت جامعه می‌فرماید: «خدایا از تو می‌خواهم که مرا از آشنایان به امامان و به حق و حقوق آنان قرار دهی!»

راه اول: راه معرفت علمی است ولی راه دوم: راه شناخت قلبی و روحی است.

۳. اطاعت:

اگر چه امام زمان غایب است ولی اراده و فرمانش در میان همه‌ی خلائق جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان‌هایش را باید اطاعت کرد.

از امام صادق ^(علیه السلام) حکایت شده که می‌فرماید:

خوشا به حال شیعیان مهدی قائم ^(علیه السلام) آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او.»

حال سوال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان ^(عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟

در جواب این سوال باید گفت که اگر چه در خصوص امام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود ندارد ولی در هیچ یک از دو غیبت صغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسته نشده است زیرا در هر دو غیبت، امر سفارت و نیابت وجود داشته و دارد و از طریق نمایان، پیوند امام با مردم برقرار بوده و هست.

در زمان غیبت صغری نیابت نایبان خاص بوده و در زمان غیبت کبری نیابت نایبان حضرت عام می‌باشد که با توجه به شرایط و ضوابطی که مطرح می‌کنند اطاعت فقهاء جامع شرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می‌باشد. و مخالفت با فقیه جامع شرایط که نایب امام است، مخالفت با امام، و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می‌باشد.

توقیع حضرت ولی عصر (عج):

سوالاتی که برای مردم حاصل شده بود و برای خودش نیز «اسحاق بن یعقوب» مشکل بود در ذیل نامه‌ای به وسیله نایب دوم، یعنی محمد بن عثمان عمری به محضر حضرت مهدی (عج) فرستاد و پاسخ آنها را طلبید از جمله‌ی آن مسائل این بود که مردم در عصر غیبت در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنند؟ حضرت پاسخ فرمودند:

«... و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله»؛ «اما آنچه سوال کرده‌ای خدا تو را هدایت کند و ثابت قدم نماید... اما حوادثی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت و نمایندگانی من هستند بر شما و من حجت خدا بر شما...» ۵

از این حدیث استفاده می‌شود که اطاعت از ائمه‌ی قبل، عین اطاعت از امام زمان است چون فقهاء با توجه به قرآن کریم و قول ائمه احکام شرعی را بیان می‌کنند.

۳. انتظار:

انسان منتظر، انسانی کوشا است، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامه‌ی توحید و استقرار ولایت از نثار هر چه دارد دریغ نمی‌ورزد. چنانچه از حضرت علی (علیه السلام) حکایت شده:

«کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.»

و جامعه‌ی منتظر جامعه‌ای پویا است، جامعه‌ای متحرک و فعال است که حاکمیت طاغوت را نمی‌پذیرد و بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد. منتظر ظهور امام زمان بودن حرکت بسوی ظهور داشتن و به آرمان‌های موعود عمل نمودن است.

انسان منتظر نفس اماره را کنترل و شیطان را از خود دور می‌کند و خود را جهت استقبال از آقا امام زمان (عج) مهیا می‌کند. جهت استقبال از او لوح دل را از آلودگی‌ها و گناهان می‌شوید و خانه دل را به یاد خدا و با صفات حمیده و پسندیده‌ی انسانی زینت می‌دهد و الا امام زمان (عج) که به هر جایی پا نمی‌گذارند. نمی‌توان یک گوشه‌ی دل را از محبت دنیا پر کرد گوشه‌ی دیگر گناهان و ... بعد به آقا بگوییم بیا که سوختم، زهجر روی ماه تو؟ چگونه سوخته است انسانی که خود را برای ظهور آماده نکرده است.

آینه شو، جمال پری طلعتان طلب جاروب زن به خانه سپس میهمان طلب

۴. خدمت‌گذاری به حضرت:

از امام صادق (ع) نقل شده که می‌فرمایند: «اگر دوران او را درک می‌کردم همه‌ی روزهای زندگی را در خدمت به او می‌گذراندم.»

وقتی پیامبران و امامان در خدمت به امام زمان پیشتاز هستند وقتی امام صادق (ع) آرزوی خدمت به ایشان را دارد و حضرت عیسی (علی نبینا وعلیه السلام) از آسمان فرود می‌آید تا او را یاری کند وظیفه‌ی شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر است؟

بی‌تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت‌اند. آنها که پس از ظهور شایستگی خدمت می‌یابند، همان‌هایی هستند که در دوران غیبت، بر خدمت به امام و امت امام همت گماشته‌اند، و اهداف امام را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده‌اند.

برخی دیگر از تکالیف و وظایف منتظران حضرت:

۵. محبت به امام زمان (عج): پیامبر اکرم: «خداوند را دوست بدارید به جهت آنچه از نعمت‌های خویش به شما می‌دهد و مرا به جهت دوستی خدای عزوجل دوست بدارید و اهل بیت را به خاطر دوستی من دوست بدارید.»

۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار: نیک بدون اشتیاق به آن حضرت، امر واضح و روشنی است زیرا که این از لوازم محبت است.

۷. اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت: اینکه مومن از فراق و دور ماندن از حضرت اندوهگین باشد از نشانه‌های دوستی و اشتیاق به حضرت است.

۸. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت که از مصادیق «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۹ است.

۹. سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت: امام صادق (علیه السلام): «هر کس درباره‌ی

ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت.»

۱۰. شناختن علایم ظهور حضرت: مقدمه‌ی شناخت حضرت شناخت علائم ظهور به ویژه علائم حتمی مقارن با ظهور حضرت است.

۱۱. صدقه قرار دادن به نیابت آن حضرت و برای سلامتی او: که نشان از مودت و دوستی آن جناب و ولایت اوست.

۱۲. حج و طواف به نیابت حضرت.

۱۳. تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهور او.

۱۴. تجربه بیعت با حضرت با خواندن دعاها از جمله دعای عهد و ...



منابع و پی‌نوشت‌ها

مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی
نگین آفرینش، اثر جمعی از نویسندگان
سیمای آفتاب، حجت‌الاسلام دکتر طاهری
بحارالانوار مرحوم مجلسی

